

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عقاید خاص شیعه

استاد: حجت الاسلام و المسلمین دکتر فرمانیان

آموزشیار: حجت الاسلام و المسلمین رضایی

## مقدمه

از جمله شبهات مطرح شده از جانب وهابیان نسبت به شیعیان نذر برای اولیاء خدا، طواف برگرد قبور و قسم یاد کردن به غیر خداست. در این درس پس از بیان هر شبهه، به نقد و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

## شبهات وهابیت

### نذر برای اولیای الهی

از جمله اعمالی که وهابیان حکم به تحریم آن نموده‌اند، موضوع نذر برای غیر خداوند است. ابن تیمیه می‌گوید: «نذر برای قبور و اهل آن - مانند نذر برای ابراهیم خلیل و فلان شیخ - معصیت است و لذا وفای به آن واجب نیست.»<sup>۱</sup> وی حتی نذر برای اولیای خدا را به نذر کافران برای بتها تشبیه می‌کند.<sup>۲</sup> در پاسخ سخنان وی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. شکی نیست که نذر برای غیر خدا به این معنا که در آن نذر قصد قربت به غیر خدا باشد، شرک است؛ زیرا نذر از اعظم عبادات است و نباید عبادات برای غیر خدا انجام شود. با این حال اشکال وهابیت آن است که نسبت به عمل برخی از مسلمانان دچار بدفهمی شده‌اند. به عبارت دیگر مقصود مسلمانان از نذر برای اولیای الهی آن نیست که تقرب به آنان پیدا کنند؛ بلکه مقصود آنها آن است که ثواب نذرشان را به اولیای الهی هدیه نمایند.

۲. نذر برای اولیای الهی فرقی با نذر برای پدر و مادر و ... ندارد و حتی خود وهابیت وفای به این نذر را بر خود لازم می‌دانند.<sup>۳</sup>

۳. ممکن است گفته شود که نذر نزد قبور پیامبران و صالحان، مانند عمل بت‌پرستان است که نزد بت‌های خود نذر می‌کردند. با این حال روایاتی وجود دارد که اثبات می‌کند اگر نذرکننده نیت‌اش نذر برای خداوند باشد، نه برای غیر خدا، اشکالی در اینکه نذر او نزد قبور پیامبران و صالحان باشد، نیست:

روایت اول: ثابت بن ضحاک می‌گوید: مردی در دوران رسول خدا(ص) نذر کرد که شتری را در منطقه بوانه نحر کند. خدمت رسول خدا(ص) رفت و از ایشان در این باره سؤال کرد. حضرت فرمود: آیا در آن مکان بتی که عبادت شود، وجود دارد؟ عرض کرد: خیر. باز حضرت فرمود: آیا در آن مکان عید مشرکین گرفته می‌شود؟ عرض کرد: خیر. آن گاه حضرت فرمود: به نذر خود وفا کن.<sup>۴</sup>

روایت دوم: میمون بن بخت کردم نقل می‌کند که پدرم به پیامبر اکرم عرض کرد: من نذر کرده‌ام که پنجاه گوسفند در بوانه ذبح کنم. رسول خدا(ص) به او فرمود: آیا در آنجا چیزی از این بت‌ها وجود دارد؟ او عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: پس به نذرت وفا کن.<sup>۵</sup>

۱. ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ریاض: مکتبه الرشد، ص ۳۱۵.

۲. ابن تیمیه، قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة، ص ۱۰۳.

۳. شیخ جعفر کاشف الغطاء، منهج الرشاد لمن اراد السداد، تحقیق جودت القزوی، ص ۵۴۸.

۴. بیهقی، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، ج ۱۰، ص ۸۳.

۵. احمد بن حنبل، مسند، بیروت: دارصادر، ج ۳، ص ۴۱۹.

روایت سوم: ابی داوود نیز نقل کرده است که زنی به نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من نذر کرده‌ام که در فلان مکان و فلان مکان (مکانی که در آنجا اهل جاهلیت ذبح می‌کردند) ذبح نمایم. پیامبر(ص) فرمود: در آنجا بت بزرگ هست؟ آن زن گفت: خیر. حضرت فرمود: آیا بت کوچک هست؟ زن گفت: خیر. در این هنگام پیامبر(ص) فرمود: به نذرت وفا کن.<sup>۱</sup>

از این روایات استفاده می‌شود که نذر تنها در صورتی اشکال دارد که برای بتها باشد یا آنکه با عقیده شرک‌آلودی همراه شود.

SCO۱: ۸:۵۱

## طواف بر گرد قبور

یکی دیگر از اتهامات وهابیان بر ضد شیعه و دیگر مسلمانان طواف بر گرد قبور است. به گفته برخی از وهابیان گشتن به گرد قبور سبب کفر است.

در پاسخ به این اتهام می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

اولاً اگر کسی چنین کاری را انجام دهد، به این قصد که دستور به خصوصی در این مورد وارد شده و این کار عبادت مخصوص است، مانند طواف بر گرد کعبه، کار او تشریح و حرام است؛ ولی هیچ کدام از زائران قبور امامان چنین قصدی ندارند؛ بلکه مقصودشان کثرت و زیادی تبرک جستن است. به عبارت دیگر صرف شباهت ظاهری با طواف بر گرد کعبه، سبب حرمت نمی‌شود؛ زیرا اعمال بستگی به نیت دارد و نمی‌توان گفت هر عملی که شبیه به عبادتی است، حرام است؛ چراکه لازمه‌اش آن است که بگوییم بوسیدن اشخاص از روی مهربانی و بوسیدن میت، به دلیل آنکه شبیه بوسیدن حجرالاسود است، حرام است.<sup>۲</sup>

ثانیاً شباهتی که وهابیان مدعی آن هستند، شباهت ناقصی است؛ چراکه طواف بر گرد کعبه، شرایطی دارد، مانند اینکه با طهارت باشد، همراه با قصد قربت باشد، دور زدن باید از سمت چپ باشد و اینکه هفت دور در طواف لازم است. در حالی که هیچ کدام از این امور در زیارت قبور ائمه صورت نمی‌گیرد.

ثالثاً در خود کتب روایی شیعه طواف بر گرد قبور منع شده است؛ برای مثال علامه مجلسی در بحار الانوار روایاتی در نهی از طواف بر گرد قبور نقل کرده است؛ برای مثال از امام صادق(ع) نقل کرده است که «لا تطف بقبر»؛ برگرد قبری طواف نکن.<sup>۳</sup>

SCO۲: ۱۲:۴۶

۱. سنن ابی داوود، بیروت: دارالفکر، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. سید محسن امین، تاریخ و نقد عقاید وهابیت، ص ۶۰۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج ۹۷، ص ۱۲۶.

## سوگند به غیر خدا

یکی دیگر از اتهامات وهابیان بر ضد مسلمانان سوگند یاد کردن به غیر خداست. ابن تیمیه قسم یاد کردن به غیر خدا را مشروع نمی‌داند. صنعانی نیز سوگند به غیر خدا را شرک کوچک می‌داند.

در پاسخ به این ادعا باید بگوییم که سخن آنها با سخن خدا، رفتار پیامبر و صحابه در تناقض است:

## اولاً قسم‌های قرآن

خداوند در جای جای قرآن به اموری غیر از خودش قسم یاد کرده است؛ برای مثال می‌توان به «والعصر و لیال عشر»، «والعادیات»، «والنازعات»، «والناشئات»، «والتین»، «والضحی»، «والمساء ذات البروج» و ... اشاره کرد. در همه این موارد خداوند به غیر خودش قسم یاد کرده است. اگر قسم یاد کردن به غیر خدا شرک بود، خداوند خود چنین قسم‌هایی یاد نمی‌کرد.

## ثانیاً سیره پیامبر

از پیامبر اکرم (ص) نیز گزارشاتی وجود دارد که به اموری غیر از خداوند قسم یاد کرده‌اند؛ برای مثال مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا کدام صدقه بالاترین اجر را دارد؟ حضرت فرمود: آگاه باش! سوگند به جان پدرت، بدان که صدقه‌ای که تو در حالت سلامتی بدن باشی و مالت را دوست داشته باشی و از فقر هم بترسی و امید زنده بودن سالهایی در تو باشد.<sup>۱</sup>

همچنین نقل شده است که مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و از اسلام پرسید. حضرت فرمود: پنج نماز در شبانه روز. مرد گفت: غیر از پنج نماز در شبانه‌روز نماز دیگری واجب است؟ حضرت فرمود: خیر، مگر بخواهی نماز مستحب انجام دهی و روزه ماه رمضان. مرد دوباره گفت: غیر از روزه ماه رمضان روزه دیگری بر من واجب نیست؟ حضرت فرمود: خیر، مگر بخواهی روزه مستحب انجام دهی، و زکات. مرد گفت: غیر از زکات واجب مال دیگری بر من نیست؟ حضرت فرمود: خیر، مگر بخواهی صدقات مستحب بدهی. آن مرد پشت کرده، می‌رفت و می‌گفت: به خدا سوگند! نه بر آن می‌افزایم و نه از آن کم می‌کنم. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: به جان پدرش سوگند، اگر راست بگوید، رستگار می‌شود.<sup>۲</sup>

## ثالثاً سیره صحابه و مسلمانان

مردی از اهل یمن که یک دست و یک پایش را در اثر دزدی بریده بودند، به مدینه نزد ابوبکر آمد و شکایت کرد که حاکم یمن در حق او ظلم نموده است و بی‌جهت دست و پای او را بریده است. این مرد شب‌ها نماز شب می‌خواند، ابوبکر به او گفت: سوگند به جان پدرت! شب تو مانند شب دزد نیست. پس از چند روز زینت‌های زن ابوبکر، اسماء

۱. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ج ۳، ص ۹۳-۹۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲.

بنت عمیس گم شد. مردم جستجو می کردند، این مرد نیز جستجو می کرد و این دعا را می خواند: خدایا بر تو امید دارم که ما را آگاه کنی به آن کس که شب آمده در این خانه و زیورها را برده است. زینت های اسماء بنت عمیس را نزد زرگری پیدا کردند. به او گفتند: از کجا آوردی؟ گفت: این مرد دست و پا بریده آورد نزد من گذاشت و بر این مطلب شاهدهایی نیز گواهی دادند. ابوبکر گفت: دست چپش را هم ببرند. سپس گفت: دعایی که این مرد بر ضرر خودش می کرد، عجیب تر بود از دزدی او.<sup>۱</sup>

از همه مسلمانان نیز در گفتارشان جمله «لعمری» یعنی سوگند به جای خودم، بسیار نقل شده است. این عبارت در شعر و نثر عرب آن قدر زیاد است که نمی توان همه آنها را جمع آوری کرد. به اتفاق اهل لغت این جمله صراحت در قسم دارد. برای مثال ابن مالک در الفیه خود چنین می گوید:

و بعد لولا غالباً حذف الخبر حتم و فی نص یمین ذا استقر

بعد از لولا قسم باید خبر مبتدا را حذف کرد و همچنین حذف خبر مبتدا لازم است در جایی که مبتدا سوگند صریح باشد.

ابن عقیل در شرح این شعر چنین گفته است: دوم از جاهایی که حذف خبر مبتدا واجب است، وقتی است که مبتدا صریح در سوگند باشد، مثل «لعمرك لافعلن» که خبر آن «قسمی» حذف شده است؛ یعنی هر آینه به جان تو سوگند من است که انجام می دهم.<sup>۲</sup>

از جمله مواردی که در کلام صحابه چنین قسمی وجود دارد، نامه امام علی (ع) به معاویه است: «لعمری یا معاویه لئن نظرت بعقلک دون هواک لتجدنی ابراً الناس من دم عثمان»؛ ای معاویه! به جان خودم سوگند! اگر به عقل خود بنگری، نه از سر هوای نفس، خواهی دید که من پاک ترین مردم نسبت به خون عثمان هستم.<sup>۳</sup>

گذشته از مطالب گفته شده باید به این نکته نیز تأکید کرد که در فقه شیعه سوگندی که الزام آور است، سوگند به خداوند است، نه سوگند به امور دیگر. امام خمینی در تحریر الوسیلة در بیان احکام حلف (قسم) اولین شرطی که برای صحت قسم یاد می کند، آن است که آنچه بدان قسم یاد می شود، خداوند یا اسماء و صفات مختص به او مانند قدیم و رحمان یا اوصاف مشترکه ای که انصراف به او دارد، مانند رازق و خالق باشد. البته اوصافی که انصراف به او ندارد نیز اگر همراه با چیزی باشد که مختص به خداوند است، کفایت می کند.<sup>۴</sup>

SC03: ۲۳: ۲۳

۱. محمد بن ادریس شافعی، المسند، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۳۳۶.

۲. ابن عقیل همدانی، شرح ابن عقیل، ج ۱، ص ۲۵۱؛ همچنین رک: سید محسن امین، تاریخ و نقد عقاید وهابیت، ترجمه شیخ علی اکبر فائزی، قم: مطبوعات دینی، ص ۴۹۰-۴۹۱.

۳. نهج البلاغه، بیروت: دارالمعرفة، ج ۳، ص ۱. درباره موارد دیگری از این موارد رک: سید محسن امین، تاریخ و نقد عقاید وهابیت، ص ۴۹۱-۴۹۴.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیلة، نجف، مطبعة الآداب، ج ۲، ص ۴۲۷.

## چکیده

۱. از جمله اعمالی که وهابیان حکم به تحریم آن نموده‌اند، نذر برای غیر خداوند متعال است.
۲. نذر برای غیر خدا اگر به معنای قصد قربت به غیر خدا باشد، شرک است. اما باید توجه داشت که مقصود شیعیان از نذر برای اولیاء خدا تقرب به آنان نیست، بلکه مقصود هدیه نمودن ثواب این نذر به این ذوات مقدسه می‌باشد.
۳. نذر برای اولیا الهی فرقی با نذر برای پدر و مادر و ... ندارد و حتی خود وهابیت وفای به این نذر را بر خود لازم می‌دانند.
۴. اگر نذر کننده برای خداوند متعال نذر نماید، اشکالی ندارد که نذر او نزد قبور پیامبران و صالحان باشد.
۵. طبق نظر بعضی از وهابیان طواف برگرد قبور، سبب کفر است. اما به نظر ما اگر این عمل به نیت عبادت مخصوص مانند طواف بر گرد کعبه انجام گردد تشریح و حرام است، در حالیکه قصد زائران ائمه (ع) فقط تبرک جستن می‌باشد. علاوه بر اینکه تشبیه این امر به طواف خانه کعبه نادرست است و در روایات شیعه نیز از طواف برگرد قبور منع شده است.
۶. به عقیده وهابیان قسم یاد کردن به غیر خدا مشروع نیست، ولی این ادعا مخالف کلام خدا، عمل پیامبر (ص) و سیره صحابه است.